

۱) د / ۲- ب / ۳ الف / ۴ د / ۵ الف / ۶ ب / ۷ ج / ۸ ج / ۹ ب / ۱۰ د

### درس نهم - استعاره

تنظیم: عظیم محمدنژاد از عشایر

**استعاره**، یعنی عاریت و وام گرفتن. در اصطلاح ادبی، استعاره کاربرد واژه‌ای به جای واژه‌ای دیگر به دلیل شباهت در ویژگی مشترک است. به عبارت دیگر، اگر یکی از طرفین تشبیه (مشبه و مشبه‌به) را برگزینیم و طرف دیگر را قصد کنیم، استعاره پدید آمده است. پس به طور کلی دو نوع استعاره داریم:

۱) استعاره با حذف مشبه (استعاره مصرحه یا آشکار)

۲) استعاره با حذف مشبه به (استعاره مکنیه یا پنهان)

مثال استعاره مصرحه: با کاروان حله برفتم ز سیستان با حله تنیده ز دل بافته زجان

در این بیت حله اول در معنای حقیقی به کار رفته و به معنای ابریشم است اما با قرینه تنیده زدل بافته زجان می شود فهمید که شاعر شعر را در لطافت و نرمی به حله تشبیه کرده است و مشبه (شعر) را حذف نموده، مشبه به (حله) را به جای آن آورده است. پس "حله" استعاره از شعر است.

همچنین در مثال: آتش است این بانگ نای و نیست باد هر که این آتش ندارد نیست باد



یا در بیت: باز ای ستاره تابان نیامدی  
 معشوق و محبوب شاعر (مشبه) حذف شده و "ستاره تابان" و "سپیده شب هجران" (مشبه به) به جای آن آمده است. پس هر دو استعاره از محبوب می باشد.

یا در بیت: بین لاله‌هایی که در باغ ماست  
 شهیدان (مشبه) حذف شده و آلاله‌ها (مشبه به) جای آن آمده است. "لاله‌ها" استعاره از شهیدان است.

تا تو را جای شد ای سرو روان در دل من  
 هیچ کس می نپسندم که به جای تو بود  
 "سرو روان" استعاره از یار است.

مثالی دیگر: صدف وار گوهر شناسان را  
 دهان جز به لؤلؤ نکردند باز  
 "لؤلؤ" استعاره از سخنان با ارزش است. (لؤلؤ مشبه به است و مشبه حذف شده).

**یادآوری:** نحوه رسیدن از تشبیه و ارکان آن به استعاره را می توان چنین نشان داد:

تشبیه گسترده	مشبه	ادات تشبیه	وجه شبه	مشبه به
تشبیه فشرده	مشبه	مشبه به		
استعاره	مشبه به / مشبه + ویژگی مشبه به			

اگر از چهار رکن تشبیه، دو رکن (مشبه و مشبه به) باقی بماند، آرایه تشبیه را داریم. اگر از دو رکن تشبیه فقط مشبه به باقی بماند، به آن استعاره مصرحه (آشکار) و اگر مشبه، به همراه لوازم یا ویژگی‌های مشبه به بیاید، استعاره مکنیه (پنهان) می گویند.

مثال استعاره مکنیه:

هزار نقش بر آرد زمانه و نبود  
 یکی چنان که در آینه تصور ماست

توضیح اینکه: زمانه مثل آدم‌ها، هزار نقش بر می آورد. مشبه به حذف شده و ویژگی آن همراه مشبه آمده است. پس استعاره مکنیه است.

هر چه سرما و هر چه دلسردی  
 پر زد آهسته از نظر گم شد

سرما و دلسردی مانند انسانی ناپدید شد. (استعاره مکنیه)

گاه در استعاره پنهان، مشبه موجودی بی جان و غیر انسان و مشبه به محذوف، انسان است که باعث پیدایش جان بخشی یا صنعت تشخیص می شود. مثال:

باغ سلام می کند، سرو قیام می کند  
 سبزه پیاده می رود، غنچه سوار می رسد

در این جا شاعر به "باغ" و "سرو" "سبزه" و "غنچه" شخصیت انسانی داده است زیرا که رفتار انسانی دارند. پس هم تشخیص و هم استعاره مکنیه است.

نفس باد صبا مشک فشان خواهد شد  
 عالم پیر دگر باره جوان خواهد شد



چه خوش می گفت مرغ نغمه خوانی

سحر در شاخسار بوستانی

نکته: هر جا تشخیصی وجود داشته باشد لزوماً استعاره مکنیه هم وجود دارد. به عبارتی هر تشخیصی استعاره پنهان است اما هر استعاره، تشخیص نیست.

نوعی دیگر از تشخیص، چنین است که مشبه که موجودی بی جان است را منادا قرار می دهیم. مثال:

ای نسیم سحر آرامگه یار کجاست؟ منزل آن مه عاشق کش عیار کجاست؟

ای آبشار نوحه گر از بهر چیستی؟ چین بر جبین افکنده ز اندوه کیستی؟

ای دیو سپید پای در بند ای گنبد گیتی ای دماوند

گاهی استعاره مکنیه به صورت ترکیب اضافی می آید که به آن اضافه استعاری می گویند. یعنی مشبه به حذف می شود و یک ویژگی از آن به مشبه اضافه می شود.

مثال: کس چو حافظ نگشاد از رخ اندیشه نقاب تا سر زلف سخن را به قلم شانه زدند

نکته در تشخیص اضافه استعاری: پرسش این امر که اندیشه و سخن مثل انسان رخ و زلف ندارند. پس استعاره مکنیه است و چون با کسر به همدیگر اضافه شده اند، اضافه استعاری هستند.

مثال ۲: سرنشتر عشق بر رگ روح زدند یک قطره فرو چکید و نامش دل شد

رگ مانند انسانی است که روح و روان دارد و چون با کسر اضافه شده، اضافه استعاری نامیده می شود.

### خود ارزیابی

-۱

پ گل تازه (استعاره مصرحه معشوق سرزنش خار (اضافه استعاری-تشخیص)	ب ( باد بامدادی- می روی (تشخیص)	الف ( چشم ناله (اضافه استعاری-تشخیص) روی شکوه (اضافه ستعاری-تشخیص)
ج ( غماز بودن آینه (تشخیص)	ث ( ایستادن شب (تشخیص)	ت ( کاشتن مهر - گل چیدن (استعاره. انجام اعمال نیک)
چ کشته (استعاره از اعمالی که از انسان سر می زند)		

۲- خیاط باد صبا (تشبیه فشرده): باد صبا مانند خیاطی است که با وزیدن برتن گل ها، لباسی زیبا از گلبرگ های رنگارنگ می پوشاند.

۳- استعاره: باد صبا هر سحرگاه رختی تازه برای گل ها می دوزد و به آن ها می پوشاند.

ژاله: استعاره از اشک نرگس تر: استعاره از چشمان اشک آلود

۴- زبان شعر ساده است. در بر دارنده حیرت فیلسوفانه است. جهان را به یک کتاب کهنه که اول و آخر آن از بین رفته است، تشبیه کرده است. وزن بیت: فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلا .



## پاسخ کارگاه تحلیل فصل :

۱) الف و ب) تقریباً در همه ادبیات با مضامین تازه مواجه هستیم: یک بار در شأن عظمت هستی خود و محبت روحانی ای که در دل دارد، خود را به داغی ابدی و آب حیوان در پهنه هستی تشبیه کرده است، و با دیگر خود را به آینه‌ای تشبیه می‌کند که پشت به دیوار و «حیرت» زده و در فهم هستی حیرت زده است. (وجه شبه: فرد حیران در جای خود بی حرکت می‌ایستد، همان گونه که آینه بی حرکت به دیوار تکیه می‌دهد)؛ در بیت دیگر نیز خود را شدت مستی و خماری چشم زیبا رویان می‌بیند. در بیت آخر تفاخرشاعرانه دیده می‌شود (قلم خود را چراغ بزم عالمیان می‌داند، از این رو همیشه در شبستان مشغول نگارش و سرایش است)؛ در همه ابیات تشبیه دیده می‌شود بیشتر تشبیهات از نوع گسترده هستند. از جمله تشبیهات گسترده آن می‌توان به آب حیوانیم ما، پشت بر دیوار چون آینه...، مستی دنباله دار...، اشاره کرد. تخلص شاعرانه در غزل دیده می‌شود؛ در غالب ابیات می‌توان مفاهیم رایج شعر سبک هندی را دید: برتری عشق بر عقل، انتساب عاشق پیشگی و وارستگی به خود و هم کیشان خود (کاربرد ضمیر جمع ما بیانگر این نکته است، و ...

پ) فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فع لن

۲. در قلمرو ادبی و زیبایی شناسی متن، می‌توان به تکرار واژه و واج آرایه‌هایی اشاره کرد که متن را آهنگین کرده‌اند: تکرار کمال و واج‌های ا-ن-ی-ر، در کلماتی که گاه هم وزن و گاه متقارنند و انواع سجع را تشکیل داده‌اند. (روحانی و جسمانی- مردانه و عاشقانه)؛ متن تلمیح به باورهای دینی و آیات قرآنی دارد (بارامانت: انا عرضنا الامانه علی السموات و الارض و الجبال فابین ان یحملنها و اشفق منها و حملها الانسان انه کان ظلوما جهولاً. احزاب/۷۲)؛ در قلمروی فکری از بارزترین ویژگی‌های آنان می‌توان به عرفانی بودنش اشاره کرد. از نظر گاه نجم الدین رازی در مرصاد العباد و در این چند سطر، بنده حقیقی خداوند آن کسی است که بتواند هم دین را داشته باشد، هم دنیا را، هم اهل علم و دانش باشد، هم اهل معرفت و عشق. تنها چنین فرد می‌تواند بارامانت الهی (عشق) را بر دوش کشد.

:

:

✓

✓

.

.

.

.